

# نگرش، ویژگی‌ها و اجزای آن

## رضا اسماعیلی

آمادگی آزمون برای پاسخ دادن به یک محرک سخن می‌گفتند از کلمه‌ی نگرش استفاده می‌کردند. اما در زمان‌های اخیر نگرش بیشتر به جنبه ذهنی و روانی خود اطلاق می‌شود، هر چند آمادگی برای عمل یا پاسخ دادن به یک محرک هم‌چنان در این تعاریف حفظ شده است. به چند تعریف از نگرش در زیر اشاره می‌کنیم. نگرش یک حالت روانی و عصبی آمادگی است که از طریق تجربه‌ی سازمان یافته، تأثیری هدایتی یا پویا بر پاسخ‌های فرد، در برابر کلیه‌ی اشیا یا موقعیت‌هایی که به آن مربوط می‌شود، دارد. (آلپورت، ۱۹۳۵)

ترکیب شناخت‌ها، احساس‌ها و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز معین را نگرش شخصی نسبت به آن چیز گویند (کرج و کر اچفیلد، سال ۱۳۴۷، ص ۹۷).

نگرش عبارت است از واکنش عصبی مثبت یا منفی، نسبت به یک معنی انتزاعی یا شیئی ملموس (برولند، ۱۹۷۰).

نگرش عبارت است از چگونگی احساس و افکار ما در مورد اشخاص، موضوع‌های عقاید و موقعیت‌ها. هم‌چنین «نگرش به‌طور ضمنی دلالت دارد بر نوعی آمادگی روانی عصبی برای فعالیت جسمی و ذهنی» (منشی طوسی، ۱۳۷۱، ص ۱۸۱).

مفهوم نگرش علاوه بر استفاده در روان‌شناسی، توسط روان‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان نیز به کار برده شده است. این واژه برای نخستین بار با تحقیقات زنانیکی وارد بررسی‌های جامعه‌شناختی شد. این اصطلاح از دهه‌ی ۱۹۵۰ به بعد متداول گردید، نگرش عبارت است از آمادگی ذهنی فرد برای ابراز واکنش‌های مساعد و نامساعد نسبت به شخصی یا شیئی (ستوده، ۱۳۷۳، ص ۱۴۳).

در مجموع می‌توان گفت نگرش یکی از جنبه‌های مهم از زندگی عاطفی و احساسی ما را تشکیل می‌دهد. ما نسبت به افراد و اشیای اطراف خود نظرات گوناگونی داریم که ناشی از دید خاص ما نسبت به واقعیات اجتماعی است که در زندگی اتفاق می‌افتد. این

مفهوم نگرش در روان‌شناسی اجتماعی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. در واقع برخی از روان‌شناسان نگرش را ممتازترین و ضروری‌ترین مفهوم در روان‌شناسی اجتماعی معرفی می‌کنند (آلپورت، ۱۹۳۵).

یکی از دلایل اقبال به مفهوم نگرش آن است که رفتار اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آگاهی از نگرش‌های خود و دیگران می‌تواند هم برای پیش‌بینی رفتار اجتماعی و هم برای تغییر رفتار واقعی، مؤثر و مفید باشد.

تاریخ علم روان‌شناسی جدید را می‌توان، در واقع تاریخ شکل‌گیری نظریه‌های مربوط به علل رفتارهای انسانی دانست. در دوره‌های نخست این علم، تصور بر این بود که قسمت عمده‌ی رفتارهای آدمی ریشه در فرایندهای ناخودآگاهانه دارد. افکار، ترس‌ها و امیال جزء فرایندهای ناخودآگاهانه تصور می‌شدند. اما رفتارگرایان، عوامل و محرک‌های محیطی را در شکل‌گیری رفتارها مؤثر دانستند.

در سال‌های اخیر توجه روان‌شناسان به فرایندهای ذهنی و شناختی به‌عنوان میانجی محرک‌ها و پاسخ‌ها معطوف شده است. امروزه تحقیقات و تشریحات مربوط به یادگیری، انگیزش، شخصیت، نگرش‌ها، روان‌شناسی رشد، به فرایندهایی مانند تفکر، تصور ذهنی، انتظارات، اسنادها و نگرش‌ها توجه شایانی مبذول نموده‌اند (بولز، ۱۹۷۲؛ اپستاین، ۱۹۷۹؛ فلاول، ۱۹۷۷؛ میشل، ۱۹۷۹).

## مفهوم نگرش

از آنجا که اصطلاح نگرش از نظر روان‌شناسان معانی مختلفی دارد، جای تعجب نیست اگر در روان‌شناسی به تعریف‌های گوناگون از این مفهوم برخورد نماییم. در یکی از قدیمی‌ترین کاربردهای این کلمه، معنی آن وضع حالت بدنی بود. مثلاً در آزمایش‌های اولیه‌ی مربوط به زمان واکنش، آزمایشگران وقتی از

مسأله ناشی از آگاهی ما و احساسمان در مورد انجام کارهاست. نگرش در زبان فارسی به صورت گرایش، ایستار، باز خورد، حالت، خط مشی، رویه، رفتار، طرز تلقی، طرز رفتار، وجهی نظر، وضع روانی، هیأت رفتار، طرز تفکر و موضع روانی ترجمه شده است. هدف از مطالعه‌ی نگرش را به طور کلی می‌توان تأثیرگذاری بر رفتار فرد نامید. زیرا انواع نگرش‌ها به عنوان شاخص‌ها یا عوامل پیشگویی رفتار، شناخته می‌شوند و می‌توان گفت تغییر در آن می‌تواند برای تعدیل در رفتار در زندگی انسان بسیار با اهمیت باشد.

در مجموع می‌توان گفت که نگرش عبارت است از یک نوع آمادگی فکری و اعصابی (احساسی) که به وسیله تجربه سازماندهی می‌شود و بر روی عکس‌العمل‌های انسان نسبت به کلیه پدیده‌ها و وضعیت‌هایی که با او سر و کار دارد تأثیری جهت دهنده یا پویا می‌گذارد (آلپورت ۱۹۷۲، به نقل از رفیع‌پور سال ۷۳، ص ۶).

هم‌چنین نگرش یک سیستم از عکس‌العمل‌های ارزیابی کننده است که مبتنی بر اعتقادات و چارچوب‌هایی هستند که بر اساس آنها این ارزیابی انجام می‌گیرد. این چهارچوب و پایه‌های ارزیابی کننده در دوران‌های مختلف شکل‌گیری شخصیت در خانواده و در جامعه به وجود می‌آید (وایت ۱۹۸۹، به نقل از رفیع‌پور، سال ۷۳، ص ۶).

### کارکردهای نگرش

گرایش برای شخص دارای کارکردهای مهمی است (سخاوت، ۱۳۶۷).

۱ - کارکرد اطلاعاتی: این کارکرد سبب می‌شود فرد اشیای پیرامون خود را از یکدیگر تمیز دهد.

۲ - کارکرد انطباق اجتماعی: ابراز گرایش مناسب در مقابل دیگران موجب قبول فرد توسط دیگران است.

۳ - گرایش در بسیاری از موارد نشان دهنده‌ی ارزش‌های عمده و تصویری است که شخص از خود دارد.

نگرش از دیدگاه اجتماعی بسیار مورد توجه قرار گرفت، زیرا از رفتار دیگران تأثیر می‌پذیرد و هم خود بر رفتار دیگران تأثیر می‌گذارد. نگرش معمولاً بین عقیده از یک سو و عمل از سوی دیگر

جای می‌گیرد و دارای ابعاد اساسی گوناگونی است که در ذیل بدان اشاره می‌شود.

۱ - آمادگی درونی بالفعل برای انجام کار

۲ - گرایش یا جهت‌گیری مثبت یا منفی در برابر یک امر اجتماعی اعم از اشخاص، گروه‌ها یا اشیا که این نگرش‌ها در اندیشه‌ی اکثر افراد کم و بیش آشکار می‌شود.

نگرش‌ها دارای سه ویژگی زیر است:

اول این‌که هر نگرشی شامل یک شیء، شخص، رویداد یا موقعیت است.

دوم آن‌که نگرش‌ها معمولاً ارزشیابانه‌اند.

سوم آن‌که نگرش‌ها معمولاً دارای ثبات و دوام قابل توجهی هستند.

### اجزاء و ابعاد نگرش

برای بعضی از پژوهشگران همانند ازگود و تانن بائم بعد ارزش‌گذاری کافی است. برای بعضی دیگر مانند روزنبرگ و هاولند نگرش با سه بعد یا مؤلفه مشخص می‌گردد.

بعد عاطفی (آمادگی قبلی برای ارزش‌گذاری مثبت یا منفی یک موضوع معین)

بعد شناختی (باور و شناخت‌هایی که فرد در مورد موضوع دارد).

و بالاخره بعد رفتاری (نحوه‌ای که فرد نسبت به موضوع رفتار می‌کند).

به نظر برخی از اندیشمندان از جمله فیش مارنی (۱۹۶۷) تفکیک گرایش حتی در سطح مفهومی آن نیز عملاً غیرممکن است (کلودتایپا، ۱۳۷۹، ص ۳۴ و ۳۵).

به نظر وایت *witte* در تحقیقات تجربی هر یک از ابعاد سه‌گانه مذکور به معرف‌های قابل سنجش تفکیک و بررسی می‌شوند. همبستگی این معرف‌ها بین ۰/۴ تا ۰/۷ نشانگر این مطلب است که زمینه‌های مذکور قابل تفکیک و تمایز نیستند. (رفیع‌پور، ۱۳۷۳، ص ۶).

### عوامل تکوین نگرش‌ها

این عوامل، متعدد و گوناگون می‌باشند. در ذیل به اهم آنها

اشاره می‌شود:

۱ - آنچه نیازهای شخص را برآورده می‌کند، در جریان فعالیت‌های فرد برای رفع نیاز خود، موانع و مشکلاتی بر سر راه او قرار می‌گیرند که نگرش‌های ویژه‌ای را در او به وجود می‌آورند. نسبت به‌اشیا، عوامل، وسایل و اشخاصی که نیازهای او را برمی‌آورند و وی را به‌هدف‌هایش می‌رسانند، نگرش‌های موافق و مثبت نسبت به‌موانعی که سد راه رسیدن او به‌هدف‌هایش می‌شوند، نگرش‌های منفی پیدا می‌کند.

۲ - کسب اطلاعاتی درباره‌ی موضوع یا شیء، یا فرد خاص: علاوه بر نیازها که در ایجاد نگرش‌های شخص مؤثرند، اطلاعاتی که شخص کسب می‌کند نیز در ایجاد و شکل‌گیری نگرش‌های او تأثیر دارند، مثلاً اگر شخصی یا جامعه‌ای در باب بمب نوترونی اطلاعاتی نداشته باشد، طبعاً نگرشی نیز نسبت به آن ندارد. اما اگر روزنامه‌ها یا رادیو یا تلویزیون بحث‌هایی در مورد بمب نوترونی مطرح کنند و کارکرد وحشت‌انگیز آن را نیز برای مردم روشن کنند، مردم با خواندن یا شنیدن این بحث‌ها نگرشی نسبت به آن پیدا کرده و در جهت تحریم چنین سلاحی، نگرشی موافق در آنها پدید می‌آید.

۳ - تعلق گروهی: نیاز تعلق به‌گروه یکی از نیازهای مهم انسان و همبستگی شخص با گروه در ایجاد نگرش‌های او تأثیر حتمی دارد. می‌توان گفت که نگرش‌های شخص، نماینده‌ی اعتقادات و سنت‌های گروه‌هایی است که شخص جزو آنهاست.

علاوه بر این، فرد برای حفظ نگرش‌های خود به‌حمایت دیگران نیازمند است. تعلق شخص به‌گروه‌های نخستین هم‌چون خانواده سبب می‌شود که کودک به‌عنوان عضوی از خانواده، نگرش مشابه با نگرش خانواده را در خود شکل دهد.

گاهی نیز فرد پیشاپیش نگرش‌هایی مشابه با نگرش‌های گروهی که امیدوار است در آنها عضویت داشته باشد پیدا می‌کند.

۴ - شخصیت فرد: نگرش‌های هر فرد منعکس‌کننده‌ی شخصیت او هستند، چنان‌که اشاره شد یکی از تأثیرات گروه در شکل‌دهی نگرش‌های فرد آن است که در نگرش‌های او نسبت به‌نگرش‌های اعضای گروه هماهنگی به‌وجود آورد. اما علی‌رغم این کوشش‌ها در میان افراد هر گروه، باز هم از نظر نگرشی تفاوت‌هایی وجود دارد. این تفاوت‌ها ناشی از شخصیت افراد است. از سوی دیگر معمولاً شخصیت‌های خاصی دارای نگرش‌های

خاصی هم هستند که با همان الگوی شخصی دارای هماهنگی است. به‌عنوان مثال شخصیت اقتدارطلب (آدورو و همکاران، ۱۹۵۰) که با ویژگی‌هایی چون کوته‌فکری، تعصب افراطی، عدم گذشت نسبت به‌خطای دیگران و نژادپرستی همراه است و در افراد و گروه‌هایی چون کولوس‌کلان‌ها و نئونازی‌ها تجسم می‌یابد، نگرش‌های شخصی را نیز به‌ظهور می‌رساند. از آن جمله است نفرت نسبت به‌نژادهای به‌زعم آنان غیرمفید، مخالفت با حضور خار جیان، مهاجران یا پناهندگان در کشور خود، طرفداری از نظام‌های دیکتاتوری و خشن، اعمال خشونت نسبت به‌مخالفان و آز اداندیشان (کریمی، سال ۷۷، ۲۶۱ تا ۲۷۷).

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با عنایت به‌مفهوم، ابعاد و چگونگی پیدایش نگرش می‌توان گفت که:

۱ - نگرش‌ها اصولاً اکتسابی و آموختنی هستند. سرشت ارثی نقش ناچیز و بی‌اهمیتی در شکل‌گیری آنها دارد.

۲ - آموختن یا کسب نگرش‌ها ممکن است خودآگاه یا ناخودآگاه باشد. در یادگیری هنجارهای اجتماعی، پسر یک خانواده مسلمان، نگرش مشمئزگونه‌ای را نه تنها نسبت به‌خوردن گوشت خوک، بلکه حتی نسبت به‌خود آن جانور از خود بروز می‌دهد. نگرش اول از طریق آموزش و یادگیری آگاهانه حاصل می‌شود. اما نگرش دوم چنین نیست.

ممکن است فرد نتواند به‌یادآورد که کی و چگونه نگرشی خاص در او پدید آمده است. زیرا نگرش می‌تواند چنان جزئی از رفتار فرد شود که بخشی از سرشت وی به‌نظر آید که البته چنین نیست.

۳ - معمولاً نگرش‌ها نه فقط از یک تجربه بلکه از ترکیب چندین تجربه در طی یک دوره‌ی زمانی به‌وجود می‌آیند، گرچه در برخی از موارد نگرش از یک تجربه نیز می‌تواند حاصل شود.

۴ - نگرش فرد نسبت به‌یک شخص، وضعیت یا اندیشه، الزاماً در همه‌ی اوقات یکسان نیست و غالباً تغییر می‌یابد. مدیر یک شرکت در هند، که متعلق به‌یک کاست سطح بالاست ممکن است نسبت به‌یکی از کارگران خود که به‌یک کاست یا طبقه‌ی پایین‌تر تعلق دارد، نگرش منفی داشته باشد، اما چون به‌عنوان مدیر موظف به‌داشتن رفتار یکسان با کارکنانش است، احساس کند که می‌باید صادقانه و با بی‌طرفی با وی برخورد کند از سوی دیگر

ممکن است چنین احساس کند که باید گاندی را سرمشق خود قرار دهد و با کنار گذاشتن احساسات ناشی از سلسله مراتب کاستی، رفتار خود را تعدیل کند و بر خوردی منصفانه با آن کارگر داشته باشد، اگر چه به خوبی می‌داند که این احساسات عمیقاً در وجودش زنده است و زدودن آنها نیازمند زمان است. نگرش‌ها و رفتار آشکار فرد، پدیده‌های مجزایی نیستند، بلکه دقیقاً به یکدیگر مربوطند. در مثال بالا مدیر، دارای دو الگوی واکنشی نگرشی متضاد با یکدیگر است که اغلب بروز می‌کنند. ممکن است چندین نگرش در فرد عمل کنند. هر کدام از رفتارهای آشکار که روی دهد بر دیگر رفتارهای آشکار فرد که مربوط به سایر نگرش‌های اظهار نشده هستند گرچه به طور موقت تسلط می‌یابد.

۵ - گروهی که فرد بدان تعلق دارد، بر نگرش‌های وی تأثیر می‌گذارد و آنها را مطابق با معیارهای خود بهنجار می‌سازد.

در مثال بالا مدیر شرکت، نگرش‌های خود را در برخورد با دیگر کاست‌ها از هنجارهای کاست خود و مجموعه‌ی ساختار کاستی در جامعه هندو کسب می‌کند.

۶ - وابستگی و مشارکت فرد در گروه بر نگرش‌های وی تأثیر می‌گذارد و آن را بهنجار می‌سازد، اما در عین حال طیف وسیعی از نگرش‌های گوناگون در هنجارهای گروهی وجود دارد که مجاز شمرده می‌شود. گرچه نگرش‌ها در هر گروه با یکدیگر فرق دارد، این تفاوت ریشه‌ای نیست. این گروه محدوده‌ای را مشخص می‌سازد که تنوع نگرش‌ها نباید خارج از آن باشد. گرچه کاست سطح بالایی که مدیر به آن تعلق دارد، ممکن است رفتار خوب و مناسبات سازگارانه مدیر با کارگرش را تحمل کند اما هرگز غذا خوردن وی را با کارگر در زیر یک سقف نمی‌پذیرد و چنانچه بخواهد دخترش را به عقد پسر کارگر در آورد که عملی افراطی و رادیکال محسوب می‌شود، با واکنش سخت کاست خود روبرو می‌شود.

۷ - دو سویی، هنگامی است که فرد گرایش‌های کاملاً ناسازگاری نسبت به یک موضوع داشته باشد. چنین مواردی کم نیست و بیشتر افراد می‌توانند به یاد آورند که گاه به طور هم‌زمان نگرش‌های متفاوتی داشته‌اند. در بسیاری از فرهنگ‌ها رسم بر این است که والدین مسن و بازنشسته با فرزندانشان زندگی کنند و تحت مراقبت آنان باشند، که معمولاً این وظیفه بر عهده پسر ارشد است. پدری را در نظر بگیرید که همسرش مرده است و پسر ارشد خانواده وظیفه‌ی نگهداری او را بر عهده دارد. ممکن است این پسر

به دلیل کهولت و ناتوانی فزاینده‌ی پدر که پاره‌ای تنش‌ها یا مشکلات زناشویی در خانواده برای وی ایجاد کرده با وجود علاقه عمیقش به وی احساسات متضادی را نسبت به وی از خود بروز دهد.

۸ - عقاید قالبی به‌هنگام اجتماعی شدن فرد و بر اثر القای برخی تفکرات قالبی و ثابت نسبت به مردم ایجاد می‌شود. این نظرات درباره‌ی مردم را می‌توان هم‌چنین کاریکاتوری از اشخاص، موقعیت‌های مختلف یا اشیا دانست که تصاویر قالبی نام دارند. در بسیاری از نواحی روستایی شمال هند، معمولاً سوداگر روستایی را به شکل فردی چاق و زشت و با چهره‌ای زیرک و حقه‌باز توصیف می‌کنند. لُخ پال را به شکل فردی درشت اندام تصور می‌نمایند که سوار بر اسبی کوچک است و دفتر بزرگ دخل و خرج خود را زیر بغل دارد. یک نفر وام دهنده را به شکل فردی فرومایه می‌پندارند که پیرامونش را ثروت و زارعان مبتلا به سوء تغذیه و دست به‌سینه فرا گرفته‌اند. این‌ها همه عقاید قالبی هستند، گرچه از تصویرهای قالبی تعارف‌آمیزند، بسیاری این چنین نیستند، تمامی تصویرهای قالبی نادرست‌اند، زیرا بسیاری از افرادی که به یک حرفه یا گروه خاص تعلق دارند با تصویری که عقاید قالبی ارائه می‌دهند مطابقت ندارند. عقاید قالبی را پیش‌داوری‌هایی در مورد افراد یا موقعیت‌ها می‌دانند که ادراک آنی ما را از این امور تحت تسلط خود می‌گیرند. پیش‌داوری‌های ما نسبت به مردم و اشیا در روند اجتماعی شدن به وجود می‌آید و بر ادراک واقعی ما از این امور تسلط می‌یابند. اما تصحیح این تصویرهای قالبی و جایگزین شدن توصیف‌های دقیق‌تر به‌جای آنها با گذشت زمان و کسب تجارب افزون‌تر امکان‌پذیر است. در مورد تأثیر جامعه‌شناختی تصویرهای قالبی، می‌باید به دو واقعیت مهم توجه داشت:

الف - تصویرهای قالبی اغلب واقعیات مربوط به مکان‌ها، مردم و اشیا را مخدوش و وارونه نشان می‌دهند.

ب - تصویرهای قالبی، به هر حال تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری نگرش‌ها نسبت به افراد، مکان‌ها و اشیا بر جای می‌گذارند.

۹ - نگرش‌ها مانند عادات و اشکال رفتاری دیگر در برابر دگرگونی مقاومت می‌کنند، با این وجود نگرش‌ها با زمینه‌سازی یا تحت فشار محیط تغییر می‌کنند، می‌توانند تدریجی و گاه ناخودآگاهانه باشند، اما تلاش برنامه‌ریزی شده انسان برای تغییر می‌تواند تأثیر عمیقی بر نوع و آهنگ تغییر داشته باشد (چیتامبار، سال ۷۳، ص ۷۶ تا ۷۸).